



سمیرا فرخ منش

چرا زنان از سیاست گریزان هستند؟!

مشارکت زنان در امور سیاسی از زمان قاجار آغاز شد

چون زن راه بازار گیرد، بزن و گرنه تو در خانه بنشین چون زن سعدی

بحث فعالیت زنان در اکثر مقوله‌ها کلامی شناخت که دوره‌ی زمانی نسبتاً طولانی در زمینه آن سخن به میان آمده است. اقدامات اجتماعی زنان و افزایش مراحل آموزشی مانند قبولی در کنکور حرکت‌های فرهنگی صورت گرفته توسط این قشر همه و همه حکایت از جلوه فعالیت‌های زنان و رشد روزافزون نقش آنان در تار و پود سیستم اجتماعی دارد. که تمامی اینها با نگاهی عمیق به لایه‌های درونی سیستم موجود، خود را به صورت ظاهری فریبنده نشان می‌دهد. اما در این میان، مقوله‌ای که شاید کمتر از دیگر زمینه‌ها به آن توجه شده، موضوع مشارکت سیاسی زنان در ایران است که متأسفانه با وجود اهمیت بالایی آن، کمتر از موارد دیگر به بحث و بررسی گذاشته شده است. مشارکت سیاسی زنان در ایران از دیر باز تاکنون دچار کمبودها و کاستی‌های قابل توجهی بوده که متأسفانه اقدامات جدی و تاثیرگذاری در زمینه رفع این کاستی‌ها و بر طرف کردن چالش‌های موجود به صورت مستمر صورت نگرفته است. چه بسا که تاثیر این بی توجهی در بسیاری از لایه‌های سیاسی، فرهنگی کشور ما خود را در قالب‌های متفاوتی بروز می‌دهد. اما صد افسوس که حتی خود قشر مورد نظر نیز عملکرد مثبتی را در این ۶ دوره مجلس به میزان کافی از خود، نشان نداده است. حتی برخی اوقات آنها خود باعث جلوگیری از ادامه روند مثبت نقش‌پذیری سیاسی زنان گشته‌اند. به حدی که به روشنی می‌توان مردانه بودن دنیای سیاست را در ایران نظاره کرد. در حالی که هیچ کجا و در هیچ دسته، حزب و تشکلی از ورود یا فعالیت زنان جلوگیری به عمل نیامده اما در اجرا مواجه با محدودیت برای زنان هستیم.

مشارکت سیاسی (Political Participation) به منزله شرکت کردن مرد در فعالیت‌های سیاسی

و سهم شدن در تصمیم‌گیری‌های موثر توسط آنان حکایت می‌کند و یا به عبارتی به تلاش سازمان یافته شهروندان و تاثیر آن بر هدایت سیاسی جامعه نیز اطلاق می‌گردد. که با توجه به آمار جمعیتی زنان در کشور ما نمی‌توان به راحتی از این قشر تاثیرگذار صرف‌نظر کرد. در کشور ما حدوداً ۸۱ درصد از جمعیت موجود را زنان تشکیل می‌دهند که تقریباً نزدیک به ۳۰ میلیون نفر را شامل می‌شوند. از این تعداد حدود ۱۷ میلیون (و در بعضی آمارها ۲۷ میلیون) نفر از زنان بالای ۱۵ سال هستند که صلاحیت رای دادن و شرکت در انتخابات را دارا هستند. با این اوصاف اگر حتی بخش کوچکی از این تعداد در کشور ما به طور جدی و جدا از حرکت‌های نمایشی، در مسیر رفتارهای سیاسی، نقش عملی خود را ایفا می‌کردند، قطعاً می‌توانستیم به آینده سیاسی ایران از نظر حفظ تعادل و جلوگیری از ایجاد شکاف‌های جنسیتی، امیدوار باشیم.

به طور کلی برای قالب‌های مشارکت سیاسی افراد در اجتماع دو نوع فعالیت ذکر شده که از آنان به عنوان مشارکت سیاسی خاص و عام یاد می‌کنند. مشارکت سیاسی عام می‌تواند یک رفتار ساده انتخاباتی باشد که شامل رای دادن و اقدامات مربوط به آن می‌شود که درصد بالایی از زنان ما



به آن مبادرت می‌ورزند. زیرا اغلب این نوع رفتارهای سیاسی دارای انگیزه خاصی نبوده و ممکن است در راستای هدف مشخصی انجام نگیرد. اما مشارکت سیاسی خاص یا همان مشارکت پارتیزانی یا فعال شامل اقدامات جدی و موثر تفکرات سیاسی به شمار می‌آید که در کمال تاسف مبادرت زنان ما به این نوع از مشارکت بسیار ضعیف است که جای تامل دارد. بر اساس بررسی‌ها انجام شده توسط دفتر مشارکت امور زنان، تنها ۲/۴ درصد زنان به مشارکت‌های سیاسی پارتیزانی عمل می‌کنند به طوری که از میان این قشر ۸۶ درصد هیچ گونه فعالیت داوطلبانه در ستادهای انتخاباتی نداشته‌اند، ۷۸ درصد هیچ گاه در صدد جمع‌آوری رای نبوده‌اند و ۸۸ درصد زنان نیز عضو هیچ حزب، گروه یا تشکلی نشده‌اند. ۹۰ درصد آنان در هیچ جلسه حزبی یا سیاسی شرکت نکرده‌اند و ۹۰ درصد هیچ گونه کمک و مساعدت مالی به ستادها و تشکل‌های سیاسی نداشته‌اند. ۹۲ درصد از آنان در هیچ گونه برنامه سخنرانی و مقاله نویسی شرکت نکرده و ۹۳ درصد هیچ برنامه دراز مدت یا آرزویی برای کسب منصب سیاسی (به عنوان مثال رییس جمهوری) نداشته‌اند. متأسفانه ۹۲ درصد زنان ما به هنگام بروز مشکلات، اعتراضی به وضعیت موجود

نداشته و در هیچ تحصن سیاسی شرکت نکرده‌اند. موردی که در این میان جالب به نظر می‌رسد مقایسه این آمارها در رابطه با نسل قبلی زنان کشورمان است که حدود سنی ۵۰ را دارا هستند. زیرا بر اساس مطالعات موجود نسل قبلی زنان ما ۲ درصد بیش از نسل جوان امروز به مشارکت سیاسی فعال مبادرت می‌ورزیدند (۱) به طوری که اگر محدوده

مورد بررسی را گسترده‌تر کنیم می‌بینیم که حرکت‌های جدی سیاسی زنان ما از زمان قاجاریه در مخالفت با استعمار آغاز می‌گردد... مانند نقش‌های عملی در جنبش مشروطیت و یا تاسیس تشکل‌ها و انجمن‌های مستقل. به عنوان مثال «زینب پاشا» در تبریز علیه تصمیم ناصرالدین شاه مبنی بر اعطای انحصار تنباکو به یک تاجر انگلیسی، دست به مبارزه مسلحانه می‌زند (۲) در راستای اقدامات مستقل نیز می‌توان به تاسیس دهها انجمن و تشکل فعال ویژه زنان تا سال ۱۳۴۶ هـ. ق اشاره کرد. مانند انجمن آزادی زنان، اتحاد غیبی نسوان، انجمن بیداری زنان، جمعیت نسوان وطن‌خواه و غیره... در حالی که متأسفانه طبق بررسی‌های انجام گرفته در حال حاضر زنان گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال ما در حال کناره‌گیری از مشارکت سیاسی عام هستند که این مساله خود نشان از فردایی ساکن و مبهم برای آینده سیاسی کشور دارد. این نگرانی در مقایسه با کشورهای دیگر بیش از پیش خود را نمایان می‌سازد. زیرا برای مثال در کشور فرانسه زنانی که دارای فعالیت‌های سیاسی مستمر و پویا هستند حدود ۳۰ درصد زنان این کشور را تشکیل می‌دهند. در حالی که در ایران این رقم نزدیک به نیم درصد است. این آمار نیز با توجه به تمایل نسل جوان به کناره‌گیری از دنیای سیاست و به عبارتی دلزدگی از آن. بسیار خطرناک است... زیرا باعث گردیده تا ۳۵ درصد زنان ایرانی با سیاست احساس بیگانگی کنند و ۳۱ درصد آنان نیز اعلام کنند که گرایشی به تأیید عملکردهای سیاسی مسئولین ندارند. این میزان تفاوت میان نسل امروز و پیش نسل زنان قابل تامل است و باید علت آن را در لایه‌های زیرین بافت اجتماعی جستجو کرد. زیرا اگر به سطوح بیرونی و ظاهری سیستم نگاه کنیم زنان ما روزبه‌روز بیش از پیش در مسیر رشد و ترقی فرهنگی و سیاسی و... قرار دارند ولیکن صد افسوس که بطن ماجرا حکایت از داستان دیگری دارد. در راستای بررسی عوامل کاهش فعالیت‌های سیاسی زنان ایران به فاکتورهای متعددی دست پیدا می‌کنیم. متأسفانه از مهم‌ترین دلایل مثبت نبودن اقدامات زنان در قالب‌های سیاسی، باید به محدودیت‌های اجرایی آنان در زمینه‌های اجتماعی، شغلی، فرهنگی... اشاره کرد. در اکثر



مواقع زنان سیاسی ما طبق شرایط حاکم Patriarchy (پدرسالاری) در مسوولیت‌های سیاسی در قالب مردان خود (همسر، پدر...) فرو می‌روند به طوری که کمتر زنی را می‌شناسیم که در محدوده فعالیت‌های سیاسی قرار گرفته و با همسر خود وارد این حیطه شده باشد. اما جهت فکری متضادی را با وی دارا باشد. همین شبیه‌سازی که بر گرفته از جو مردگرایانه سیستم است، حرکت زنان را به جهتی ناکارآمد سوق می‌دهد.

مساله گرایش به سنت‌های موجود نیز راه را برای اشتغال سیاسی زنان ناهموار می‌سازد به طوری که با پایبندی به یک سری اصول می‌توان از هر گونه فعالیت یا حتی تفکر سیاسی جلوگیری کرد. البته این موضوع به معنای نفی اصول و سنن ملی نیست، لیکن مشکل در تفکیک و جداسازی مستقل این دو مقوله است. زیرا در اغلب مواقع زنان ما سیاست را امری بیهوده و وقت تلف کن قلمداد می‌کنند و معتقدند فعالیت سیاسی امکان رسیدگی به خانه و آشپزخانه را از آنان سلب می‌کند. البته در این میان یک سری سخنان نیز بی‌تاثیر نیست. از جمله این که گفته می‌شود "مردان همانند زمامداران نسبت به ملت بر زنان ولایت دارند. لذا زمانی که زنان در خانه نسبت به شوی خود اختیار ندارند چگونه می‌توانند برای جامعه تکلیف تعیین کنند؟ و اساسا جایز نیست زن به مجلس شورا راه یابد هر چند فقیه و مجتهد باشد..." که تاثیر این سخنان را حتی می‌توان در یک سری، زنان تقریبا، سیاسی نیز یافت. یکی از روشن‌ترین جلوه‌های این گونه باورها را می‌توان در مجلس شورای اسلامی، به نظاره نشست. آن زمان که یکی از نمایندگان زن مجلس عنوان می‌کند که چه دلیلی دارد یک زن در جایگاه هیات ریسه مجلس قرار گیرد و مردان نامحرم مجبور باشند دایما به وی نگاه کنند (۳) به همین دلیل زنان در چهار اجلاس که منتخبان مجلس هفتم تشکیل دادند، سکوت کرده و تمایلی از خود برای این جایگاه نشان ندادند. از دیگر مسایلی که در مجلس هفتم اتفاق افتاد باید به دفاع از ازدواج مجدد مردان به دلیل منفعت آن برای زنان و انتقاد از الخاق ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان اشاره کرد که این خود جای بحث بسیار دارد.

طالقانی توجه کرد که می‌گوید: زنان مجلس هفتم ما کمتر از مجلس ششم هستند. در حالی که این روند باید سیر صعودی داشته باشد... اعظم طالقانی، دبیر کل جامعه زنان انقلاب اسلامی با تاکید بر تبعیضات حقوقی نسبت به زن، علت اصلی را تسلط فرهنگ مرد سالار می‌داند و می‌افزاید: زنان باید واقعیت‌های جامعه شناسانه کشور را در نظر بگیرند زیرا زنان بدست آوردن حقوق در ایران زبان خاصی است. (۴)

در خلال این بررسی‌ها و با توجه به چهره مردانه سیاست در ایران و وجود موانع (پنهان) برای جنبش‌های سیاسی زنان، نمی‌توان به راحتی از فاکتورهای تاثیرگذار (Propaganda تبلیغات) صرف نظر کرد. در این میان نقش فزاینده صدا و سیما به مراتب بیش از دیگر رسانه‌هاست. ولیکن تاکنون شاهد هیچ تبلیغی برای رشد و افزایش نقش زنان در این رسانه، نبوده‌ایم. چه بسا که صدا و سیما می‌تواند نوعی بر چسب زن‌ستیزانه‌ای نیز بر پیشانی خود، در زمینه‌های اجتماعی، خانوادگی و... دارد. تبلیغاتی هم که توسط مسوولین در سال‌های اخیر انجام می‌گرفت متأسفانه ماهیت سراب گونه‌ای داشت زیرا در میدان عمل ما شاهد تحقق هیچ کدام از آنها نبودیم. در صورتی که رییس جمهوری می‌گفت: "وزارت امور زنان هم تشکیل می‌دهم" و یا "ظلمی که به زنان وارد می‌شود، کمتر از دوران جاهلیت نیست" (۶) نباید از مشارکت گسترده زنان در عرصه‌های سیاسی جلوگیری شود... (۷) این واژگان همه نشان از تمایل مسوولین به شرکت زنان در انتخابات دارد زیرا موقعیت آماری زنان به گونه‌ای نیست که به راحتی بتوان از آن صرف نظر کرد اما افسوس که پس از انتخابات، تمامی این سخنان به فراموشی سپرده می‌شود.

مشارکت تمامی اقشار در امور سیاسی از ارکان یک سیستم دموکراتیک به حساب می‌آید اما با حضور کم‌رنگ زنان، نباید انتظار رسیدن به چنین سیستمی را داشت. زیرا مشارکت سیاسی در زندگی برای تمامی افراد، هزینه‌هایی در بر دارد که شامل زمان، انرژی و منابع گوناگون می‌شود. هر چه میزان این هزینه‌ها بیشتر باشد مقدار مشارکت نیز کاهش می‌یابد...

با توجه به تمامی این معضلات، بحث کاندیداتوری زنان نیز در رابطه با پست ریاست

جمهوری تحلیل‌های متفاوتی را از افراد گوناگون در پی داشته است. البته می‌توان گفت که مخالفین این امر بیش از موافقین آن هستند. مخالفین این مقوله در واکنش به این موضوع بیکار ننشسته و موارد دیگری به غیر از تاکید بر واژه "رجال" را عنوان کرده‌اند که برای نمونه می‌توان به یکی از جالب‌ترین آنها پرداخت. طبق این نظریه، یکی از علل عمده‌ای که در مخالفت با کاندیداتوری زنان برای ریاست جمهوری عنوان شده این است که اگر خداوند به یک زن رییس جمهور فرزندی اعطا کند (در ایام تصدی ریاست جمهوری) چه باید



کرد؟؟؟ زیرا طبق ماده ۳، قانون حمایت از مادران او می‌تواند از ۴ ماه مرخصی با حقوق بهره‌مند شود که در این صورت آیا می‌شود مملکت را ۴ ماه تعطیل کرد؟؟؟

این هم در جای خود سخنی است و شاید مصداق کلام فردوسی نیز در رابطه با این عقیده و در بحث کاندیداتوری زنان ما، بیش از پیش خود را جلوه‌گر می‌سازد که:

زنان را بود بس همین یک هنر نشینند و زاینند شیران نر

منابع:

- ۱- کمیته سیاسی (گروه کار خیرگان)
- ۲- سهیلا شهتاشی
- ۳- نقل از روزنامه شرق (۲۰ خرداد ۸۳)
- ۴- بر گرفته از سیاست تریبون فمینیستی.
- (۵)، (۶) و (۷) به ترتیب حجت الاسلام ری شهری، حجت الاسلام ناطق نوری و حجت الاسلام خاتمی.
- ۸- بر گرفته از سایت محمد علی لطیفی